

بررسی امکان‌پذیری سرمایه‌گذاری صنعتی در جهت گسترش اشتغال

مجری طرح: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

مدیر مسئول طرح: دکتر حسین صادقی

نوع طرح: تحقیقاتی

زمان خاتمه طرح: بهمن‌ماه ۱۳۷۸

واژگان کلیدی: سرمایه‌گذاری صنعتی، اشتغال، جدول داده ستانده، بهره‌وری

خلاصه‌ای از نتایج و کلیات تحقیق:

این طرح در پنج فصل تنظیم گردیده است، در واقع تأکیدی بر اهمیت نقش سرمایه در بکارگیری نیروی انسانی و عوامل تولید و بالا رفتن میزان بهره‌وری در جامعه می‌باشد. از آنجائیکه سرمایه در فرآیند تولید بعنوان یکی از عوامل تولید در نظر گرفته می‌شود، ولی بیش از سه ربع قرن نیست که بعلت استفاده گسترده از ماشین در فرآیند تولید که توأم با پیشرفت علم و فن و بهبود سازمان اقتصادی می‌باشد، از سرمایه بعنوان عامل اساسی برای تولید به سبک شیوه‌های نوین یاد می‌شود. بر اساس تعاریف مختلفی که درباره ماهیت سرمایه بیان شده این‌گونه نتیجه‌گیری می‌شود که سرمایه نه بعنوان یکی از عوامل تولید، بلکه بعنوان عامل تعیین کننده روابط اجتماعی و اقتصادی در جوامع مطرح می‌شود و با تغییر ماهیت و شکل سرمایه‌ها، شرایط و صورتهای اجتماعی نیز تغییر می‌کند.

در فصل اول این تحقیق به تعاریف و مشخصه‌های سرمایه اشاره شده و به بحث درباره سرمایه‌گذاری صنعتی که همان افزایش سرمایه عموم جامعه، یعنی افزایش ساختمان‌ها، ماشین‌الات، تجهیزات و ... است پرداخته می‌شود؛ در ادامه به بیان مسئله تشکیل سرمایه در برخی از جوامع، که عامل اصلی پیشرفت اقتصاد در این کشورها قلمداد می‌شود اشاره شده و بیان می‌دارد که هرچند ممکن است در برخی از کشورهای در حال توسعه، دولت بعنوان جمع کننده سرمایه (انباشت سرمایه) باشد، اما برای رسیدن به توسعه، که علاوه بر عوامل اقتصادی، تغییرات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و تکنولوژیکی نیز لازم می‌باشد. در فصل دوم این طرح، ابتدا کلیاتی درباره جمعیت و عوامل تعیین کننده آن ارایه شده و اینکه آیا افزایش عرضه نیروی انسانی موجب توسعه اقتصادی کشورها خواهد شد یا خیر؟ موضوع بخش بعدی این فصل را تشکیل می‌دهد. در ادامه درباره مفهوم اشتغال (تقاضای نیروی کار) و ابعاد آن از چند بعد صحبت می‌شود و اینکه افزایش نیروی انسانی باید توأم با افزایش بهره‌وری باشد.

در فصل سوم این طرح، تغییر و تحولات صورت گرفته در سرمایه‌گذاری در بخش اقتصاد کشوری دوره‌های صفویه، قاجار و پهلوی بررسی می‌شود؛ بگونه‌ای که تجربه‌های تاریخی ناشی از این بررسی نشان می‌دهند که تلاش در زمینه‌های سرمایه‌گذاری‌های صنعتی در این دوره‌ها همواره ناموفق بوده‌اند؛ چرا که

سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته غالباً در ارتباط با سایر بخشهای اقتصادی و در راستای اجرای یک برنامه مشخص در بخش صنعت بوجود نیامد. هرچند که در دوران پهلوی و سالهای اولیه دهه ۱۳۵۰، افزایش درآمدهای نفتی و حضور سرمایه‌های خارجی در صحنه فعالیتهای اقتصادی همچنین بکارگیری عوامل تشویقی و پولی و ارزی موجب گردید که میزان سرمایه‌گذاری در کل افزایش یابد.

در مطالعه سرمایه‌گذاری صنعتی در دوران پس از انقلاب، شاهد نوسانات زیادی هستیم که علت اصلی این نوسانات را باید ناشی از واردات کالاهای سرمایه‌ای دانست که نشان دهنده افزایش سرمایه‌گذاری با اتکا به منابع خارجی است. مطالعات صورت گرفته برای دوره ۶۷-۱۳۵۸، نشان می‌دهد که بیشتر سرمایه‌گذاری‌های مربوطه در صنایع کانی غیرفلزی و سلولزی و در رتبه بعدی صنایع غذایی بوده است، درحالی‌که برای دوره ۷۳-۱۳۵۵، بررسی ترکیب سرمایه‌گذاریهای کارگاه‌های صنعتی موید اینست که بخش عمده‌ای از سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته، در صنایع مصرفی بوده است. اما ذکر این نکته مهم است که یکی از انگیزه‌های مهم در افزایش سرمایه‌گذاری صنعتی، بدست آوردن ارزهای ارزان قیمت و استفاده از مابه‌التفاوت نرخ آزاد با نرخ اسمی ارز بوده است.

در فصل چهارم، به تغییرات ساختاری اقتصادی-اجتماعی اشاره می‌شود و اینکه در نتیجه آن، مناطق شهری سهم بیشتری از جمعیت را بخود اختصاص داده و برعکس در مناطق روستایی، این سهم کاهش یافت. همچنین در طول زمان اشتغال بخشهای مختلف اقتصادی از سمت و سوی کشاورزی و دامداری به سمت بخش صنعت و خدمات انتقال یافت. در ادامه این فصل به جهت گیری و سیاستهای حاکم بر کل اقتصاد طی دهه‌های ۳۰ به بعد اشاره شده و نقش سیاستهای اشتغال‌زایی در طول برنامه‌های عمرانی و علل موفقیت یا عدم موفقیت این سیاست‌ها در طول هر برنامه بطور مجزا تحلیل می‌شود. بررسی سطح کیفی (سواد) شاغلین صنایع کشور در دوره ۳۰ ساله ۱۳۴۵-۱۳۷۵ نیز از دیگر موارد طرح شده در این فصل است.

سرانجام فصل پنجم این طرح به تعیین اولویتهای سرمایه‌گذاری در بخشهای مختلف صنعتی برای ایجاد اشتغال با استفاده از جدول داده-ستانده (IO) می‌پردازد. در تحقیق حاضر تلاش شده است که با توجه به امکانات و وجود منابع مختلف در راستای توسعه صنعتی، امکان ایجاد اشتغال مورد بررسی قرار گیرد. برای رسیدن به این امر با استفاده از جدول داده-ستانده سال ۱۳۷۰ بخش‌های مختلف صنعتی براساس کد دورقمی ISIC به لحاظ توانایی در ایجاد اشتغال در کل اقتصاد رتبه‌بندی گردیده است. رتبه‌بندی مزبور براساس کشش‌های اشتغال داده-ستانده انجام گرفته است. در ابتدا از شاخص پیوندهای فراز استفاده شده است که این شاخص به دلیل عدم لحاظ اندازه نسبی بخش‌ها ممکن است نتواند معیار خوبی برای سیاست‌گذاری‌ها باشد. از این رو سعی شده است کشش‌ها برای جدول داده-ستانده که اندازه نسبی بخشهای اقتصاد را در تحلیل دخالت می‌دهد، محاسبه گردد.

همچنین برای تعیین جایگاه صنعت در مقایسه با دیگر بخشهای اقتصادی به لحاظ ایجاد اشتغال، از شاخص فراز نرمال استفاده شده است. سرمایه‌گذاری در این بخش به جهت روابط فنی مناسب می‌تواند

در ایجاد اشتغال در کل اقتصاد موثر باشد، اما در زیربخش‌های صنعتی دو اثر بخشی به لحاظ افزایش سرمایه‌گذاری در بخش‌های موردنظر می‌توان یافت. یکی افزایش تولید و دیگری افزایش اشتغال. براساس شاخص فراز نرمال شده رتبه‌بندی از لحاظ تولید، می‌توان از بخش‌های صنایع غذایی، فلزات اساسی، نساجی و پوشاک، سایر محصولات صنعتی، چوب و ... نام برد. درحالی‌که رتبه‌بندی بر اساس اشتغال را می‌توان در بخش‌های چوب، نساجی و پوشاک، کانی غیرفلزی، چاپ و انتشار، ماشین‌آلات، شیمیایی، غذایی و ... مشاهده نمود. اما به دلیل عدم کارایی این شاخص از شاخص‌های کشش تولید (کل، داخلی و بیرونی) استفاده می‌گردد. براساس این شاخصها (بوژه شاخص کشش تولیدی)، بخش‌های صنایع غذایی، صنایع نساجی و ماشین‌آلات دارای رتبه‌های بالایی از لحاظ سرمایه‌گذاری قرار می‌گیرند. بعبارت دیگر، افزایش سرمایه‌گذاری به میزان فرضی ده درصد، تقاضای نهایی بخشهای فوق را به ترتیب ۵۷/۶۹، ۶۴/۰، ۰/۰ افزایش می‌دهد. همچنین برای اندازه‌گیری سهم هریک از بخشها در اشتغال کل اقتصاد از طریق افزایش سرمایه‌گذاری، از شاخص کشش اشتغال استفاده شده است. براین اساس صنایع غذایی، ماشین‌آلات، سایر محصولات صنعتی و غیره در اولویت قرار می‌گیرند که این رتبه‌بندی با شاخص اشتغال فراز نرمال شده تفاوت بسیار زیادی دارد. بنابراین معیار سیاست‌گذاری‌ها برای ایجاد اشتغال از طریق افزایش و گسترش سرمایه‌گذاری‌های صنعتی را می‌توان از طریق کشش اشتغال داده-ستانده بدست آورد که قابلیت اشتغال بیشتری را می‌تواند در بر داشته باشد؛ اما نکته‌ای را که باید در نظر گرفت این است که کشش تولیدی و اشتغال و رتبه‌بندی سرمایه‌گذاری‌های صنایع کشور چندان تفاوت اساسی ندارد و تنها باید به اهداف و دیدگاه‌های برنامه‌ریزان و سیاستگذاران توجه داشت که آیا افزایش ارزش افزوده و تولید باید در اولویت قرار گیرد و یا اینکه فرصت‌های جدید شغلی در پروژه‌های اقتصادی ملاک عمل قرار گیرد. بنابراین دقت در انتخاب این شاخص‌ها و مورد عمل قرار دادن آنها در راستای سیاستهای کلان اقتصادی کشور ضرورت دارد.

پیشنهاد اصلی تحقیق حاضر آن است که با توجه به منابع کمیاب سرمایه‌گذاری در کشور و مشکلات فراوان مربوط به پس‌انداز و انباشت سرمایه، بخشهایی از اقتصاد کشور که در تحقیق حاضر با استفاده از شاخص کشش اشتغال در اولویت قرار می‌گیرند، برای سرمایه‌گذاری بیشتر و توسعه مورد توجه قرار گیرند.